



Namri; An Ancient Land in a Part of Ilam Province?

Sorena Firouzi¹ , Mohammad Amin Saadat Mehr² , Zohre Jozi 

1. Corresponding Author, Ph.D Graduated. Department of Archaeology, Faculty of Architecture and Art, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: sorena.firouzi@gmail.com
2. PhD. Graduated. Department of Archaeology, Faculty of Architecture and Art, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: ma.saadatmehr@gmail.com
3. Department of Archaeology, Faculty of Letters and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: mahsaveisi@yahoo.com

Article Info

Abstract

Article Type:
Research Article

Article History:
Received:
26, April, 2023

In Revised Form:
11, July, 2023

Accepted:
20, November, 2025

Published Onlin:
4, February , 2026

Keywords: Assyria, Ilam province, Namri, Parsua, Media, Bit-Hamban

The study of Mesopotamian inscriptions, particularly from the Middle and Neo-Assyrian periods, has provided researchers with substantial geographical data. Using the topographical information derived from these sources, the cultural and historical contexts of the western and central regions of the Iranian plateau have been examined in greater detail. This work has formed the foundation for numerous historical, cultural, and archaeological studies. From the era of Tiglath-Pileser I, the Assyrians gradually began to pay greater attention to the eastern parts of their realm, a perspective that gained momentum during the Neo-Assyrian period. In this research, we employ the geographical information contained in the royal inscriptions of the Neo-Assyrian kings to investigate which territories mentioned in these documents correspond to the boundaries of the present-day Ilam province, or at least its northern region. This article demonstrates that, contrary to previous opinions regarding the land of Namri, a significant portion of the coordinates associated with this ancient area aligns with the boundaries of Ilam province. Furthermore, this study argues that, based on this conclusion and an analysis of Namri's cultural components, we can achieve a clearer understanding of the cultural landscape of Ilam province in the first millennium BCE.

Cite this The Author (s): Firouzi, S., Saadat Mehr, M. A., Jozi, Z ; (2026), Namri; An Ancient Land in a Part of Ilam Province?. Iranian Studies Vol. 15, No. 4, winter,:(85-103). DOI: [10.22059/jis.2023.358270.1197](https://doi.org/10.22059/jis.2023.358270.1197)



Publisher: University of Tehran

https://jis.ut.ac.ir/article_93175.html



نمری؛ سرزمینی کهن در بخشی از استان ایلام؟

سورنا فیروزی^۱، محمدامین سعادت‌مهر^۲، زهره جوزی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، رایانامه: sorena.firouzi@gmail.com
۲. دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، رایانامه: ma.saadatmehr@gmail.com
۳. گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، رایانامه: zj332244@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

مطالعه نبشته‌های میان‌رودانی و به ویژه دوره‌های آشور میانه و آشور نو، داده‌های جغرافیایی بسیاری را در اختیار پژوهشگران امروزی قرار داده است. این که با استناد بر مختصات بوم‌نگارانه این اطلاعات، پیشینه فرهنگی و تاریخی مناطق غربی و مرکزی فلات ایران را بهتر بررسی کرد، روندی است که پایه بسیاری از پژوهش‌های تاریخی، فرهنگی و باستان‌شناختی را پدید آورده است. شاهان دوره آشور میانه اندک‌اندک و از روزگار تیگلات-پیلسر یکم، به سوی شرق سرزمین خود توجه کردند و این نگاه در روزگار آشور نو، نیرو گرفت، به گونه‌ای که بیشترین اطلاعات از همین دوره اخیر به دست ما رسیده است. از این جهت، پژوهش پیش رو بر مبنای جغرافیایی که نبشته‌های شاهانه روزگار آشور نو آن را ترسیم می‌کند، به این موضوع می‌پردازد که حدود استان ایلام کنونی یا دست‌کم بخش شمالی آن منطبق بر کدام یک از سرزمین‌های توصیف شده در آن مستندات نوشتاری بوده است. این مقاله پیشنهاد می‌دهد که بر خلاف نظرات مطرح شده درباره سرزمین نمری، بخش مهمی از مختصات این گستره کهن هم‌خوان با حدود استان ایلام بوده است. همچنین این پژوهش بیان می‌کند که بر پایه نتیجه‌گیری یاد شده و نیز بررسی مولفه‌های فرهنگی سرزمین نمری، می‌توان به درک بهتری از وضعیت فرهنگی مختصات استان ایلام کنونی در هزاره یکم پیش از میلاد دست یافت.

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۲/۰۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۱۵

واژه‌های کلیدی: آشور، استان

ایلام، نمری، پرسوا، ماد، بیت-

خَمین.

استناد: فیروزی، سورنا، سعادت‌مهر، محمدامین، جوزی، زهره؛ (۱۴۰۴). نمری؛ سرزمینی کهن در بخشی از استان ایلام؟ پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان. (۸۴-)

DOI: 10.22059/jis.2023.358270.1197

(۱۰۳)



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

https://jis.ut.ac.ir/article_93175.html

۱. مقدمه

با وجود آن که نام آشور در نیشه‌ای از سارگن^۱ اکدی (حدود ۲۲۷۹-۲۳۳۴ پ.م.) آمده است^۲ (Horowitz, 1998: 68)، اما این در روزگار ادد-نیراری یکم^۳ (۱۲۷۴-۱۳۰۵ پ.م.) بود که سپاه آشور توانست به کامیابی‌های برجسته‌ای در سوی شرقی سرزمین خود، یعنی غرب فلات ایران دست یابد. در میان نیشه‌های شاهانه این فرمانروا، محتوای نیشه A.0.76.1 نشان می‌دهد که آشوریان توانستند پس از گذر از سرزمین‌های شوبرو^۴ و لولومو^۵ به سرزمین قوتو^۶ یا گوتی دست یابند (Grayson, 1987: 131). گرچه پیشتر در نیشه‌های شاهانی چون سارگن اکدی، نرام-سین^۷ (حدود ۲۲۱۸-۲۲۵۴ پ.م.)، اور-نمو^۸ (حدود ۲۰۹۴-۲۱۱۲ پ.م.) و ایبین-سین^۹ (حدود ۲۰۰۴-۲۰۲۸ پ.م.) به سرزمین گوتیوم^{۱۰} اشاره شده بود (Frayne, 1997: 11, 21 & 362; Horowitz, 1998: 68 & 69; Adali, 2009: 228-230, 232-240, 245-251; Zawadzki, 2011-2012: 276 and Hennerbichler, 2012: 194)، اما در منابع آشوری، این مردمان تا سده‌ها پس از آن حدود زمانی پیشین گزارش نشده بودند.

شلمانسر (شلمنصر) یکم^{۱۱} (۱۲۴۳-۱۲۷۳ پ.م.) پسر ادد-نیراری نیز به نیروهای قوتو^{۱۲} در شرق و شمال شرق آشور اشاره کرده است (Grayson, 1987: 192, 206 & 207) و این موضوع بعدها از سوی توکولتی-نینورت یکم^{۱۳} (۱۲۰۷-۱۲۴۳ پ.م.) جانشین شاه پیشین هم تکرار شد، کسی که ضمن اشاره به قرار داشتن قلمرو قوتوها در نزدیکی سرزمین لولومو^{۱۴} و معرفی حدود قلمرو این شاهزادگان تا سرحدات مخرو^{۱۵}، توانسته بود با شکست دادن شاهزادگان قوتو^{۱۶} (متشکل از قبایل و جمعیت‌های مختلف؟)، حدود قلمرو این شاهزادگان را تا به همراه سرزمین‌های شوبرو، مخرو و نیبری^{۱۷} تصرف کند (Grayson, 1987: 234, 235, 236, 237, 240, 241, 244, 247, 248, 250, 251, 252, 254, 257, 259, 262, 265, 275, 310 & 311). گفتنی

1. Šarrugi

۲. به صورت KUR.aššurki

3. Adad-nērāri I

4. šu-ba-ri-i

5. lu-lu-mi-i

6. qu-ti-i

7. Narām-Sîn

8. Ur-Nammu

9. Ibbin-Sîn

10. gu-ti-umki

11. Šalmaneser

12. Umman Qutû

13. Tukultî-Ninutra I

14. lu-ul-lu-mi

15. KUR.me-eḫ-ru

16. malkî ša qu-ti-i

17. KUR.na-’i-ri

است که موقعیت لولومو یا همان زَمَواً در هزاره یکم پیش از میلاد منطبق بر کوهستان‌های زاگرس و دشت شارزور در حدود سلیمانیه کنونی پیشنهاد شده است (Billerbeck, 1898: 16-94; Streck, 1900: 262-289; Forrer, 1920: 43-44; Boehmer, 1965: 187-192; Levine, 1973: 16-22; Brown, 1979: 5-6; Liverani, 1992: 45-46; Vera Chamaza, 1994: 92-96; Hannon, 1986: 378-386; Medveskaya, 2000: 438-443; Fuch, 2000: 73-74 & 2017: 133; Zadok, 2002: 134-136; Altaweel *et al.*, 2012: 12-15; Maniori, 2014: 209; Radner, 2017: 427-428; *RIA* 11: 51-52; *RIA* 15: 210-213 and Bagg, 2020: II/620 حدود شوبرو نیز در جنوب نئیری (هم‌خوان با جنوب شرقی ترکیه امروزی و شرق کردستان عراق) و در همسایگی لولومو توصیف شده است (Streck, 1899: 153-158; Brown, 1979: 7; Reade, 1979: 178; Russell, 1984: 199; Muscarella, 1986: 473f.; *RIA* 4: 479 and TAVO map B IV: 12). همچنین مختصات مخرو را در شرق دیرو^۲ پیشین یا بدره^۳ فعلی در نواحی مرزی شرقی عراق امروزی (منطقه شکفت گُلگُل) دانسته‌اند (RIA 8: 131; Zadok, 2002: 129; Bagg, 2020: I/410).

با کشورگشایی‌های تیگلات-پیلسر یکم^۴ (۱۰۷۶-۱۱۱۴ پ.م.) موفقیت‌های بسیاری به ویژه در جبهه غربی آشور به دست آمد و جانشینان او نیز این میراث را حفظ کردند، اما حدود شرقی همچنان تا مرزهای لولومو و سلوا^۵ یاد شده است (Grayson, 1991: 34, 42, 53 & 103) تا آن که آدد-نیراری دوم^۶ (۸۹۱-۹۱۱ پ.م.) از سرزمین نَمرو/نَمری^۷ یاد می‌کند (Grayson, 1991: 148 & 157) که جغرافیای آن بحث اصلی این پژوهش است. گسترش پیش‌روی آشوریان در دوره آشور میانه در توکولتی-نینورت دوم^۸ (۸۸۴-۸۹۰ پ.م.) تا سرزمین گیلزانو^۹ در حدود جنوب یا جنوب غربی دریاچه ارومیه (Streck, 1899: 148-151; Reade, 1978a: 139f.; Brown, 1979: 8f.; Liebig, 1991: 33; Liverani, 1992: 23f.; *RIA* 3: 375; Zadok, 2002: 106; Schachner, 2007: 228 & 246 and Fuchs, 2007: 47) رسید، و این دو فتح اخیر در زمان آشورنصیرپال دوم^{۱۰} (۸۵۹-۸۸۳ پ.م.) نیز تکرار شد (Grayson, 1991: 178, 180, 197, 208, 212, 221, 230, 248, 255, 275, 293, 294, 296, 302, 304, 309 & *etc.*).

از این رو و بر پایه داده‌های برآمده از محتوای متون آشوری به ویژه آشور نو که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، پژوهش پیش رو به بررسی حدود جغرافیایی سرزمین نَمری که در غرب فلات ایران واقع بوده است، می‌پردازد.

1. KUR.za-mu-a
2. Dēru
3. Badra
4. Tiglath-Pileser I
5. KUR.sa-lu-a
6. Adad-Nērāri II
7. māṭ namri
8. Tukultī-Ninutra I
9. KUR.gil-za-ni
10. Aššurnasirpāl II

۱-۱. فرضیه و پرسش‌های پیش رو

سرزمین نمری در جایگاه یک سرزمین مرزی میان حدود میان‌رودان و فلات ایران، یکی از مهم‌ترین دروازه‌های فرهنگی و ارتباطی دو گستره جغرافیایی یاد شده به شمار می‌آمده است. از این رو، پیگیری جایابی آن می‌تواند برای ایجاد یک درک مناسب از وضعیت تاریخی و فرهنگی غرب فلات بسیار مناسب باشد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن مختصات سرزمین یادشده در گستره استان ایلام امروزی، به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر است:

(۱) سرزمین نمری در میان چه سرزمین یا سرزمین‌های کهنی قرار داشته است؟

(۲) حدود سرزمین نمری منطبق بر کدام مختصات جغرافیایی کنونی واقع بوده است؟

۲-۱. روش مطالعاتی

این پژوهش بر اساس استخراج و تحلیل داده‌های منابع آشوری و مرتبط با پیمایش لشگریان آشور، به ارزیابی حدود جغرافیایی سرزمین نمری و همسایگان آن می‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه جغرافیای سکونت‌گاه‌ها و دیگر مولفه‌های جغرافیایی میان‌رودان، زاگرس شمالی و زاگرس مرکزی پژوهش‌های بسیار زیاد و ممتازی انجام شده و هدف بسیاری از آن‌ها، کوشش برای جایابی این کانون‌های زندگی شهری و روستایی و کوه‌های مرتبط با آن‌ها بوده است. پژوهش حاضر در تقابل با نظرات آمده در مطالعات پیشین و با تحلیل مختصات همسایگان نزدیک و دور سرزمین نمری، مختصات جنوبی‌تری برای حدود سرزمین یاد شده تعریف کرده است. روی هم رفته می‌توان به نمونه‌های مهمی از پژوهش‌های مرتبط پیشین زیر اشاره کرد:

ایمانپور (۱۳۸۲)؛ ایمانپور و علیزاده (۱۳۹۲)؛ کاویانپور (۱۳۹۴)؛ سعیدیان و فیروزمندی شیره‌جین (۱۳۹۵)؛ زرین‌کوب و علی‌زاده (۱۳۹۶)؛ سعیدیان (۱۳۹۷)؛ عطایی (۱۳۹۸)؛ سعیدیان و قلی‌زاده (۱۳۹۸)؛ فیروزی و همکاران (۱۴۰۱)؛ Bigland (1811); Billerbeck, (1898); Streck, (1898; 1898 & 1900); Herzfeld (1968); Parpola (1970); Levine (1972; 1973; 1974 & 1977); Reade (1976 & 1985); Diakonoff & Kashkai (1979); Aratyunyan (1985); Zimansky (1990); Diakonoff (1985 & 1991); Brown (1986; 1997); Millard (1994); Fuchs (1994; 1998; 2000; 2007 & 2017); Lanfranchi (1995); Horowitz (1998); Medvedskaya (1999 & 2002); Parpola, & Porter (2001); Zadok (2002); Radner (2003 & 2013); Galter (2014); Maniori (2014); Hozhabri (2014); Tourovets (2015) and Bagg (2020).

از این میان و به طور اختصاصی درباره جایابی سرزمین نمری این نظرات مطرح شده است:

میان کوه خَشمَر^۱ و بیت-خَمین^۲ (Streck, 1900: 303-308; RIA 2: 91-92 and Fuchs, 1994: 452)؛ غرب کرمانشاه (Herzfeld, 1968: 23-24; Reade, 1978: 137-138; Postgate, 1984: 154)؛ در شرق دیاله و حدود خانقین (Levine, 1973: 22-24; and Parpola & Porter, 2001: 11)؛ Brown, 1979: 6; Hannon, 1986: 362 & 411; Parpola & Porter, 2001: 11; Maniori,

1. Ḥašmar

2. Bīt-Ḥamban

از جلد پانزدهم از مجموعه SAA^۱، حدود نمری از غرب به سرزمین‌های پایین دست میان رودان، از شمال یا شمال غربی به زَمَواً یا به آوای دیگرش مَزَمَواً^۲، از شمال شرقی به پرسوآ^۳، از شرق به شینگیبوتو^۴ (همان بیت-سانگیبوتی)، بیت-خَمَبَن و بیت-زوالز(ش)^۵ و از جنوب به آلیپی^۶ و در نزدیکی شهر نیقی در توپلی‌آش^۷ توصیف شده است (Fuchs & Parpola, 2001: XXV).

۳. حدود نمری در نبشته‌های آشور میانه

در کتیبه‌های ادد-نیراری دوم، به سرزمین نمری یا نمر و سرزمین‌های نزدیکش این گونه اشاره شده است (Grayson, 1991: 148 & 157): «دلاورمردی که با پشتیبانی خدای آشور، سرورش، از آن سوی زاب کوچک، ناحیه لولومو، سرزمین خَبخو^۸ (و) سرزمین زَمَواً، تا گذرگاه‌های سرزمین نمر و پیش روی کرد و سرزمین پهناور ک/قومانو^۹ را تا سرزمین‌های میخرو، سلوی^{۱۰} و اورارتو را مطیع ساخت.» بر پایه متن بالا، سرزمین نمری در امتداد گستره لولومو-خَبخو-زَمَواً قرار داشته است. از سوی دیگر، متن به سرزمین میخرو اشاره کرده است و پیشتر بیان شد که این سرزمین اخیر احتمالاً در شرق منطقه بدره واقع بوده است. مابین چنین مختصات (جنوب منطقه غرب کرمانشاه و جنوب حدود سلیمانیه از یک سو و شرق بدره از سوی دیگر) حدود امروزی استان ایلام است. در ادامه، آشورنصیرپال دوم نیز درباره نمری چنین نوشته است (Grayson, 1991: 309 & 312):

«من (ساکنان مناطق واقع در گستره) گذرگاه کوه کیرورو^{۱۱} تا سرزمین گیلزانو (و) گذرگاه شهر بَبیتو^{۱۲} تا سرزمین نمر و در جایگاه مردمان سرزمین خودم لحاظ کردم. من (سرزمین‌های واقع در گستره) ساحل آن سوی رود زاب کوچک تا شهر تیل-باری^{۱۳} که در بالادست سرزمین زَبَن^{۱۴} است، تا شهر تیل-ش-زَبَدانی^{۱۵} و شهر تیل-ش-آبتانی^{۱۶} (و) شهر خیریمو^۱ (و) شهر خروتو^۲ (که) دژهای کردونباش (هستند)،

1. State Archives of Assyria
2. Mazamua
3. Parsua
4. Šingibutu
5. Bīt-Zualza(š)
6. Ellipi
7. Niqi ša Tupliaš
8. Ḫablu
9. Qumānu
10. Kurruru
11. Babitu
12. Til-Bāri
13. Zaban
14. Til-ša-Zadāni
15. Til-ša-Abtāni

(هستند)، به درون مرزهای سرزمینم آوردم.»

شهر بیتو در شرق زموآ (Bagg, 2020: II/91) و مطابق متن، در نزدیکی گیلزانو واقع بوده است. با توجه به آن که شاه آشور، گستره زاب کوچک تا نزدیکی کردونیاش را دامنه فتوحات خود خوانده است، نمری می‌توانسته در میان کرانه گیلزانو (در حدود جنوبی دریاچه ارومیه) و بیتو در شرق زموآ (غرب کرمانشاه کنونی) تا کرانه مرزهای کردونیاش (بابل) واقع باشد، جایی که استان کنونی ایلام در آن قرار دارد.

۳. حدود نمری در نیشته‌های آشور نو

با آغاز سلطنت شلمانسر سوم (۸۲۴-۸۵۸ پ.م.)، سپاه آشور در شرق سرزمین خود و در ژرفای غرب و شمال غربی فلات ایران نفوذ کرد. در لشگرکشی سال شانزدهم (۸۴۳ پ.م.) از فرمانروایی این شاه آشوری، نیروهای او از شهر اربیل^۳ به کوه کولار^۴ رسیدند، سپس به سرزمین زموآ وارد شدند و در پشت آن به دو سرزمین مانا یا مون^۵ و آلبری^۶ دست یافتند. شاه آشور در ادامه پیش‌روی خود، پس از تصرف و تاراج شهر پدیر^۷ در سرزمین آلبری^۸، رهسپار شهر پرسوا^۹ شد. با تصرف شهر پرسوا، سپاه آشور به شهر آبدانو^{۱۰} (بیت-آبدانی^{۱۰} در آینده) رسید و پس از آن نیز شهر خبن^{۱۱} (بیت-خمن^{۱۲} در نیشته‌های بعدی) را گرفت. او سپس از سرزمین نمری^{۱۳} یاد و مردوک-مودمقیق^{۱۴} را شاه آن جا معرفی کرده است. شاه آشور نوشته است که مردوک-مودمقیق نیروهایش خود را گردآورد و با سواره‌نظام خود در ساحل آن سوی رود نمریتو^{۱۵} به نبرد با آشوریان پرداخت، اما در این رخداد شکست خورد و سه شهر مستحکم خود، شومورزو^{۱۶}، بیت-نرگل^{۱۷} و نیقو^{۱۸} که جزئی از متصرفاتش در سرزمین توگلی‌اش^{۱۹} بود را از دست داد، از دیار خود

1. Hirimu
2. Harutu
3. URU.4-DINGIR
4. KUR.kú-la-ar
5. KUR.mu-un-na
6. KUR.al-lab-ri-a
7. URU.pad-di-ra
8. URU.pár-su-a
9. URU.ab-da-da-a-ni
10. Bīt-ab-da-da-a-ni
11. URU.ḫa-ban
12. Bīt-ḫam-ban
13. KUR.ZÁLAG
14. Marduk-mudammīq
15. ÍD nam-ri-te
16. URU.šū-mur-za
17. URU.É-dU.GUR
18. URU.niq-qu
19. KUR.tug-li-ia-áš

فراری شد و همه دارایی‌ها، کاخ‌ها و زنان حرمش نیز تاراج شدند. شلمانسر سپس از شاه آلیبی باج ستانده است (Grayson, 1996: 40). شلمانسر در کتیبه دیگری به این غنائم افتخار کرده است (Grayson, 1996: 153). به شایان ذکر است که شاه آشور در کتیبه چهاردهم خود و در ارتباط با رفتن به نبرد با شاه نمری، چنین نوشته که با گذر از رود زاب رهسپار نمری شده است و پس از تصرف آن جا، ایانزو^۱ مردی از بیت-خانین^۲ (خَبَن پیشین و همان بیت-خمن) را مسئول اداره نمری کرد که البته بعدها همین فرد علیه آشور طغیان کرد و در پایان اسیر آشوریان شد (Grayson, 1996: 67, 80 & 118). موضوعی که بار دیگر نشان می‌دهد خانین و نمری در نزدیکی هم واقع بوده‌اند.

درباره موقعیت بیت-خمن این پیشنهادها مطرح شده‌اند: (آ) در غرب ایران میان نمری و خرخر (Streck, 1900: 322-326; Zadok, 2002: 70 and Fuchs, 2017: 124, 125, 128, 133,) (ب) شرق کرمانشاه امروزی (Ferrer, 1920: 90; Kinnier Wilson, 1962: 113;) (ج) در اطراف بیستون اگر همان Cambadene باشد (Fuchs, 2017: 133-); (Herzfeld, 1968: 13 and Reade, 1976: 139) (د) در غرب آلیبی (Fuchs, 1994: 427; Reade, 1978:) (ه) در راستای بیستون به کرمانشاه (سعیدیان، ۱۳۹۷: ۹۷). روی هم رفته و پیرو نبشته ۱ سارگن دوم، بیت-خمن در نزدیکی خرخر و ماد بوده است (Frame, 2021: 63). همچنین بر پایه گزارش یادشده از شلمانسر سوم، بیت-ابدانی میان آن و پرسوا قرار گرفته بود. درباره حدود پرسوا، نظراتی چون شرق سنندج (Ferrer, 1920: 90; Reade, 1978: 139 and Zimansky, 1990: 14) دشت سولدوز در جنوب آذربایجان غربی (Minorsky, 1957: 79)، غرب و جنوب غربی دریاچه ارومیه (Boehmer, 1965: 193-198); نیز بنگرید به (Bagg, 2020: II/453-454)، در حدود ماهی‌دشت و شمال آن (Medvedskaya, 1999: 60) بر مبنای یکی از نظرات لوین (Levine, 1973). جنوب دریاچه ارومیه (RIA 10: 342)، در شمال کوه شاهو که منطبق بر شمال غرب سنندج می‌شود (Levine, 1974: 101, 105 & 106-112; Brown, 1979: 17-18 and Maniori, 2014: 213-) (214)، میان کرمانشاه، کنگاور و سنندج (Reade, 1978: 139-140; Fuchs, 1994: 453; 2007:) (51; 2017: 125; RIA 10, 340-342; RIA 11: 57; Zadok, 2002: 99-106; Lanfranchi, 2003: 82, n.16, 101-102 & n.97 and Radner, 2013: 443-444) میان کرمانشاه و سنندج (Parpola & Porter, 2001: 11) و شمال غربی و غرب آلبری (در زَمَوَا) (Tourovets, 2015: 25,) (28, 29 & 31) مطرح شده‌اند.

1. *ia-an-zu-ú*

2. *Bīt-ḫa-an-ban*

بر اساس گزارش‌های شلمانسر سوم، پرسوا (جدول ۱) در راه به سوی خَمِنَ به بیت-ابدانی^۱ قرار داشته است (Grayson, 1996: 40) و پس از نمری و پیش از ماد واقع بوده است (Grayson, 1996: 68). مطابق کتیبه‌های تیگلات-پیلسر سوم، بیشتر به بیت‌زاتی نزدیک بود تا بیت-ابدانی (Tadmor & Yamada, 2011: 52, 120 & 121). همچنین مطابق همین شاه اخیر آشوری، میان راه بیت-ترنَز و بیت-ماتی قرار داشته است (Tadmor & Yamada, 2011: 120-121). پیرو گزارش سارگن دوم آشوری، از یک سو به کیشسیم و از سوی دیگر به میسی^۲ (همان میسو) نزدیک بود (Frame, 2021: 126 & 281). همچنین بر اساس کتیبه ۶۵ (نامه سارگن به خدا) از این شاه آشور، پرسوا در نزدیکی نمری، سانگیبوتی (یا بیت-سانگیبوتی^۳)، بیت-ابدانی، سرزمین مادی‌های نیرومند و سرزمین میسی که جزئی از مانا محسوب می‌شد، واقع بوده است (Frame, 2021: 281-282). بنابراین ما با یک سرزمین وسیع روبرو هستیم، به طوری که از نگاه این پژوهش پیش رو، می‌توان حدود پرسوا را در گستره جنوب شرقی استان کردستان، شمال شرقی کرمانشاه از جهت غرب و حدود غربی سنقر و شمال کوه بیستون کرانه‌مند کرد. از این رو، سوی شمالی کرمانشاه و حدود کامیاران را می‌توان پیشنهادی قابل دفاع برای موقعیت بیت-خمن در نظر گرفت.

جدول ۱: حدود جغرافیایی پرسوا در غرب فلات بر پایه نظرات مختلف

منبع	پیشنهاد
Forrer, 1920: 90; Reade, 1978: 139 and Zimansky, 1990: 14	شرق سنندج
Minorsky, 1957: 79	دشت سولدوز در جنوب استان آذربایجان غربی
Boehmer, 1965: 193-198; also see Bagg, 2020: II/453-454	غرب و جنوب غربی دریاچه ارومیه
Medvedskaya, 1999: 60	در حدود و شمال ماهیدشت برپایه یکی از نظرات لوین
<i>RIA</i> 10: 342	جنوب دریاچه ارومیه
Levine, 1974: 101, 105 & 106-112; Brown, 1979: 17-18 and Maniori, 2014: 213-214.	شمال کوه شاهو و منطبق بر شمال غربی سنندج
Reade, 1978: 139-140; Fuchs, 1994: 453; 2007: 51; 2017: 125; <i>RIA</i> 10: 340-342; <i>RIA</i> 11: 57; Zadok, 2002: 99-106; Lanfranchi, 2003: 82, n.16, 101-102 & n.97 and Radner, 2013: 443-444	میان مثلث کرمانشاه، کنگاور و سنندج
Parpolo & Porter, 2001: 11	میان کرمانشاه و سنندج
Tourovets, 2015: 25, 28, 29 & 31	شمال غرب و غرب آلبیری در زَمَوَا

توگلی‌آش آوای دیگری از توپلی‌آش^۴ برابر اِشَنون^۵ (تپه تل اسمر کنونی در حوزه رود دیاله در

1. Bīt-Abdānani
2. Missi
3. Bīt-Sāngibuti
4. Tuplyaš
5. Ešnunna

عراق امروزی) است که منطبق بر جنوب غربی مندلی در دیاله عراق یا حدود خود مندلی در دیاله عراق پیشنهاد شده (Albright, 1925: 217) و در غربی‌ترین نقطه از سرزمین نمری قرار داشته است (Fuchs, 2017: 126)، هرچند نظری دیگر چنین بیان داشته که توگلی‌آش در کوهستان‌های زاگرس و در حدود کرمانشاه امروزی واقع بوده است (RIA 14: 191 and Kinnier Wilson, 1962: 113-114)، اما نظر نخست بیشتر پذیرفته شده است. همچنین درباره حدود آلیپی نیز این نظرات ارائه شده است: (آ) در شمال لرستان و میان امتداد رود سیمره و رود دز (Streck, 1900: 376-382; Levine, 1974: 104-106; Vera Chamaza, 1994: 102-103; Brown, 1979: 18-19; Fuchs, 1994: 432-433 and RIA 2, 357)؛ (ب) واقع در پیشکوه، در شرق بیت-خَمَبَن و توپلی‌آش و در غرب ماد، خرخر و آرزی‌آش (Medvedskaya, 1999: 63-64). از طرفی و از آن جا که آلیپی در غرب خرخر واقع بوده است، می‌توان آن را در حدود جنوبی منطقه ماهی‌دشت و شاید کوه‌دشت امروزی منطبق کرد. شلمانسر در بیست و چهارمین سال از سلطنت خود، با پیمودن مسیر پایین از سرزمین نمری گذر کرد (Grayson, 1996: 68):

رود زاب (ÍD za-ban) کوچک ← کوه خَشیمور (KUR.ḥa-ši-mur) در زموأ ← سرزمین نمری (KUR.nam-ri) ← سرزمین پرسوا (KUR.pár-su-a) ← مِسو یا میسِی (KUR.me-es-si) ← ماد (KUR.a-ma-da-a-a) ← آرزی‌آش (KUR.a-ra-zi-áš) ← خرخر یا خرخار (KUR.ḥar-ḥa-ar).

پیرو این گزارش، نمری درست بر سر راه زموأ به پرسوا قرار داشته و یا دست‌کم در نزدیکی میانه راه آن دو سرزمین بوده است. شلمانسر در اشاره دیگر خود از نمری در یک سوی متصرفات خود که سوی دیگرش دریای کلد^۱ یا رود تلخ^۲ (دریا-خلیج پارس از روزگار هخامنشی به بعد) بوده، یاد کرده و آن را نسبت به گیلزانو جنوبی‌تر و نزدیک خلیج فارس دانسته است (Grayson, 1996: 44). در یکی از شفاف‌ترین ارجاعات، شاه یادشده آشور نام نمری را در میان خَبَن و توگلی‌آش ثبت کرده است (Grayson, 1996: 54 & 86)، در حالی که در اشاره‌ای دیگر از آن بین خَبَن و اَبَدَدانو نام برده است (Grayson, 1996: 60).

در حمله شلمانسر به نمری که در سال بیست و چهارم سلطنت او رخ داد و پیشتر نیز از آن یاد شد، چهار شهر تاراج شده سرزمین نمری این چنین یاد شدند: سیخیشلَخ^۳، بیت-تَمول^۴، بیت-شَکِی^۵ و بیت-شیدی^۶ (Grayson, 1996: 67-68) که البته درباره جایابی آن‌ها پیشنهادی دیده نمی‌شود. در کتیبه چهاردهم همین شاه آشوری نیز آمده است که شاه آشور در سال

1. tam-di šá KUR kal-di

2. ÍD mar-ra-tu

3. Siḫišalah

4. Bīt-Tamul

5. Bīt-Šakki

6. Bīt-Šēdi

سی‌ویکم از سلطنت خود، از پرسواً به نمری رفته و پس از غلبه بر آنان، موجب گریزشان از شهرها به سوی کوهستان‌های ناهموار شده است. شاه سپس به سوی خَلمان^۱ (حلمان) رفته است (Grayson, 1996: 71). به این رخداد اخیر در کتیبه شانزدهم نیز اشاره شده است (Grayson, 1996: 83-84).

پس از روزگار شلمانسر سوم، پسر او شمشی-آدد پنجم^۲ (۸۲۴-۸۱۱ پ.م.) از نمری در جایگاه متحد مردوک-بلاطسو-ایقی^۳ شاه بابل و نیز متحد ایلامیان و آرامیان (غرب بابل) یاد کرده است (Grayson, 1996: 188). این اتحاد بی‌گمان در پی همسایگی ایلام، نمری و بابل با یکدیگر رخ داده است.

آدد-نیراری سوم (۷۸۳-۸۱۱ پ.م.) شاه بعدی آشور است که از نمری در کنار آلیپی یاد می‌کند (Grayson, 1996: 212). سپس با گزارش‌های تیگلات-پیلسر سوم روبرو هستیم که از لشگرکشی به چندین سرزمین و پیوست آن‌ها از جمله نمری به خاک آشور خبر می‌دهد و نام آن را در کنار بیت-سانگیوتی و بیت-خمین ثبت می‌کند (Tadmor & Yamada, 2011: 52, 84, 137 & 120-121, 87). اشاره به نزدیکی به بیت-آبدانی (Tadmor & Yamada, 2011: 29) از دیگر اطلاعاتی است که تیگلات-پیلسر در اختیار ما قرار داده است. همچنین اشاره به وجود حاکمان شهری^۴ در نمری در روزگار شاه اخیر (Tadmor & Yamada, 2011: 84, 87) نشان می‌دهد که سرزمین نمری در این دوره، یکپارچگی سیاسی خود را از دست داده بود. البته با پیوست به آشور این موضوع از پیش روشن بوده است. عجیب آن که در سیاهه مشابهی که در کتیبه ۳۹ تیگلات-پیلسر آمده است، نام نمری دیده نمی‌شود و بیت-خمین در سرآغاز سرزمین‌های تسخیر شده مرتبط قرار گرفته است (Tadmor & Yamada, 2011: 97). همچنین در روزگار شاه اخیر با توسعه‌طلبی نافرجام تونکو^۵، نخستین فرد ثبت شده در تاریخ پرسواً (نیای پارسیان) و شاه وقت آن سرزمین روبرو می‌شویم که ابتدا به بخشی از بیت-آبدانی را تصرف کرد، اما با حملات شدید تیگلات-پیلسر در سال ۷۴۳ پیش از میلاد، ناچار به ترک تختگاه خود، شهر نیکور^۶ شد (Tadmor & Yamada, 2011: 29 & 31). پرسواً در زاگرس مرکزی از این تاریخ تا روزگار سارگن دوم تحت انقیاد یک خواجه پرنفوذ و دست‌نشانده آشوری درآمد (Kwasman & Parpola, 1991: 33; Tadmor & Yamada, 2011: 52-53, 84, 97, 102 & 121 and Frame, 2021: 56, 60, 126, 144, 226, 341, 413 & 471) تا آن که در زمان سناخریب نام آن در همسایگی انشان (در زاگرس جنوبی) و به وضعیت سیاسی مستقل یاد شده است (Grayson &

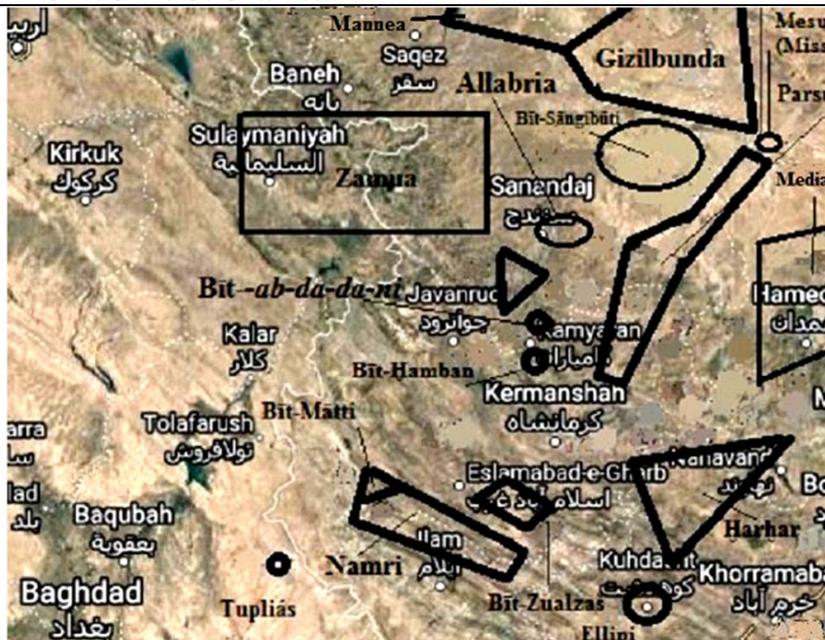
1. KUR.ḫal-ma-an
2. Šamši-Adad V
3. Marduk-ba l'ātsu-iqbi
4. LÚ. EN.URU
5. mtu-na-ku
6. URU.ni-kur

199-198 & 194 (Novotny, 2012: 182, 199; 223-224 & 231 and 2014: 194 & 198-199)، به طوری که گویا ما با مهاجرتی بزرگ از یک گروه جمعیتی برای آزادی از فشار آشوریان روبرو هستیم. در ادامه، سارگن دوم آشوری نیز از نمری در کنار آلیپی و در نزدیکی بیت-خمن و پرسوا/پرسواش/پرسومش^۱ یاد می‌کند (Frame, 2021: 56, 226, 341, 413 & 471). در جای دیگر، او نام نمری را در کنار سانگیوتی^۲، بیت-ابدانی از یک سو و پرسواش از سوی دیگر ثبت و به وجود حکمران‌های شهری در آن‌جا و همسایگانش اشاره کرده است (Frame, 2021: 280). سارگن در کتیبه ۸۲، خَبخو را در نزدیکی نمری دانسته است (Frame, 2021: 363)، موضوعی که سده‌ها قبل‌تر ادد-نیراری دوم به آن اشاره کرده بود (Grayson, 1991: 157).

۴. مختصات نمری بر جغرافیای کنونی

بر پایه آن چه از کتیبه‌های آشوری استخراج شد، نمری در شرق توپلی‌آش (تل اسمر)، در غرب آلیپی (جنوب ماهی‌دشت و احتمالاً حدود کوه‌دشت) و در جنوب غربی پرسواش (جنوب شرقی استان کردستان، شمال شرقی کرمانشاه) پیشنهاد شده است. همچنین با توجه به کتیبه ۳۵ (معروف به سنگ یادبود ایران^۳) از تیگلات-پیلسر سوم که در آن نام بیت-سانگیوتی میان نمری و سرزمین ماد نوشته (Tadmor & Yamada, 2011: 84) و از آن در انتهای مسیر نمری به بیت-ابدانی یاد شده است، و نیز این که بیت-ابدانی در مسیر ارتباطی نمری، به بیت-زاتی^۴ قرار داشته است، می‌توان حدود نمری را مشخص کرد. جایابی بیت-ابدانی در حدود استان کردستان و در مختصات جنوبی آن پیشنهاد و بر این اساس مطرح شد که سرزمین یاد شده در مسیر پرسوا به سرزمین بیت-خمن واقع بود (Grayson, 1996: 40)، همچنین بیت-زاتی را نیز می‌توان در مرکز یا جنوب استان کردستان جایابی کرد که این موضوع با توجه به در میان راه پرسوا به بیت-ابدانی قرار داشتن آن از یک سو (Tadmor & Yamada, 2011: 52, 120 & 121) و در حدود غربی پرسوا بودن از سوی دیگر قابل استنباط است. از این رو، حدود سرزمین نمری، جایی که در روزگار شمشی-ادد پنجم متحد بابل و ایلام شد، در جهت غربی کوه‌دشت و منطبق بر شرق و شمال استان ایلام قابل طرح است و امتداد آن را هم از شمال تا غرب شاه‌آباد (اسلام‌آباد) غرب می‌توان در نظر گرفت (نقشه ۱).

1. Parsua/Parsuaš/Parsumáš
2. KUR.sin-gi-bu-te
3. Iran stele
4. Bīt-Zātti



نقشه ۱: حدود سرزمین نمری و همسایگان آن

۵. نتیجه

در پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از داده‌های جغرافیایی استخراج شده از محتوای نبشته‌های شاهانه آشوری به جایابی سرزمین نمری و چند همسایه آن پرداخته شد. مقاله حاضر پیشنهاد داد که با در نظر گرفتن موقعیت نمری در میان توپلی‌اش، بیت-خمن، پرسوا و آلیپی، بخش بزرگی از حدود جغرافیایی آن با شمال استان ایلام قابل انطباق بوده و این هم‌خوانی از جهت شمالی، تا غرب شاه‌آباد (اسلام‌آباد غرب) در استان کرمانشاه امتداد داشته است. این پژوهش بیان کرد که با توجه به نام شاه سرزمین نمری (مردوک-مودمیق) و بی‌آن که درباره تبار اهالی این سرزمین نظری ارائه شود، فرهنگ این خطه دست‌کم در نیمه نخست از هزاره یکم پیش از میلاد، نزدیک به فرهنگ بابلی بوده است و این موضوع هم ایجاد شگفتی نمی‌کند، زیرا در مجاورت آن سرزمین و تأثیرات فرهنگی آن قرار داشته است، به سخن دیگر، سرزمین نمری علاوه بر آن که از منظر نظامی، همچون یک سد میان سرزمین‌های شرقی و شمال شرقی خود در زاگرس مرکزی و میان‌رودان به شمار می‌آمد، از منظر فرهنگی نیز چون یک پرده میانه، میان دو فرهنگ غیر میان‌رودانی یا کم‌تر میان‌رودانی آن سرزمین‌های شرقی و شمال شرقی و فرهنگ میان‌رودانی قرار داشت.

منابع

ایمانپور، محمدتقی. (۱۳۸۲). «مکان جغرافیایی پرسوا، پرسواش و پرسومش»، مطالعات تاریخی، ش ۱ و ۲، صص ۲۹-۵۰.

ایمانپور، محمدتقی و علیزاده، کیومرث. (۱۳۹۱). «ورود پارسی‌ها به انشان: بررسی رابطه پارسی‌ها و ایلامی‌ها پیش از ظهور شاهنشاهی هخامنشیان»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۴، ش ۱. صص ۲۱-۳۸.

دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۸۶). *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، چ ۸، تهران: علمی و فرهنگی. زرین کوب، روزبه و عیلزاده، کیومرث. (۱۳۹۶). «مکانیابی پرسوا، پرسواش، پرسمش و پرسومش: یک تجدیدنظر»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۹، ش ۱. صص ۳۹-۵۸.

سعیدیان، سعدی. (۱۳۹۷). «جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره آشور نو: نمری، خمین، کرل، پرسوا و البریه»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۱۹. صص ۱۰۵-۱۲۵.

عطایی، محمدتقی. (۱۳۹۸). «نظریه‌ای بر شکل‌گیری شاهنشاهی هخامنشی، از پرسوا به پارسه»، در مجموعه مقالات عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار، سندج: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری اداره کل استان کردستان، ص ۵۲۱ تا ۵۹۳.

کاوایی‌پور، حمید، (۱۳۹۴)، «بررسی مفهوم قلمرو و اهمیت مرز و مرزرداری در دوران ماد و هخامنشی»، جستارهای تاریخی، دوره ۶، ش ۲. صص ۴۳-۶۸.

سعیدیان، سعدی و بهمن فیروزمندی شیره‌جین، (۱۳۹۵). «از کوه سیلخزو تا کوه بیکنی: جغرافیای تاریخی سرزمین ماد در دوره آشور نو»، *مطالعات باستان‌شناسی*، پاییز و زمستان، دوره هشتم، شماره ۲: صص ۷۱-۸۹.

سعیدیان، سعدی، (۱۳۹۷). «جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره آشور نو: نمری، خمین، کرل، پرسوا و البریه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۱۹: صص ۱۰۵-۱۲۵.

سعیدیان، سعدی و فاطمه قلی‌زاده (۱۳۹۸). «تپه ربط: خوبوشکیه باستان»، *مطالعات باستان‌شناسی بهار و تابستان*، دوره یازدهم - شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۳۵.

فیروزی، سورنا؛ جوزی، زهره و محمدمین سعادت‌مهر (۱۴۰۱). «از سگیت تا هگمتان: شاه‌شهرهای مادی»، پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص: ۲۴۷-۲۷۲.

Adali, S. F., (2009). *Ummān-manda and its Significance in the First Millennium B.C*, Doctor of Philosophy, Faculty of Arts, Department of Classics and Ancient History, University of Sydney.

Albright, W. F. A., (1925). "Babylonian geographical treatise on Sargon of Akkad's empire", *Journal of the American Oriental Society* (45): 220-230.

Altaweel, M.; Marsh A.; Mühl, S.; Nieuwenhuyse, O.; Radner, K.; Rasheed K. and S. A. Saber. (2012). "New investigations in the environment, history and archaeology of the Iraqi hilly flanks: Shahrizor. Survey Project 2009-2011", *Iraq* (74): 1-35.

Aratyunyan (Harutyunyan), N. V., (1985). *Toponimika Urartu*, Erevan.

Bagg A. M., (2020). *Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients*, herausgegeben im Auftrag des Sonderforschungsbereichs 19 von Heinz Gaube und Wolfgang Röllig I/261. *Die Orts- und Gewässernamen der neuassyrischen Zeit Teil3: Babylonien, Urartu und die östlichen Gebiete*. 7/3-1 & 7/3-2. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.

Bigland, J. (1811). *A Geographical and Historical View of the World: Exhibiting a Complete Delineation of the Natural and Artificial Features*

- of Each Country*, Vol. 4, Boston: Thomas B. Wait and Co.
- Billerbeck, A., (1898). *Das Sandschak Suleimania und dessen persische Nachbarlandschaften zur Babylonischen und assyrischen Zeit*, Leipzig.
- Boehmer, R. M. (1965). "Zur Lage von Parsua im 9. J arhundert vor Christus", *Berliner Journal Verband* (5): 187-198.
- Brown, S. C. (1979). *Kinship to Kingship. Archaeological and Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros*, PhD dissertation, University of Toronto,.
- Brown, S. C. (1986). "Media and Secondary State Formation in the Neo-Assyrian Zagros", *Journal of Cuneiform Studies* (38): 107-119.
- Brown, S. C. (1997). "Ecbatana", in *Iranica*, available at (2022): <https://iranicaonline.org/articles/ecbatana>
- Diakonoff, I. M., (1985). "Media", in: *The Median and Achaemenian periods*, I. Gershevitch (ed.), pp. 36-148. Cambridge: Cambridge University Press.
- Diakonoff, I. M., (1991). "ry Mdy: The cities of Medes", in: *Ah, Assyria : studies in Assyrian history and ancient near Eastern historiography presented to Hayim Tadmor*, (eds.). M. Cogan and I. Epha'al, pp. 13-20. Jerusalem: The Magnes Press, the Hebrew University.
- Diakonoff, I. M & S. M. Kashkai, (1979). *Geographical Names According to Urartian Texts*, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
- Forrer, E., (1920). *Die Provinzeinteilung des Assyrischen Reiches*, Leipzig.
- Frame, G. (2021). *Royal Inscriptions of Sargon II, King of Assyria (721-705)*, Pennsylvania: Penn State University Press.
- Frayne, D., (1997). *Ur III Period (2112-2004 BC), The Royal Inscriptions of Mesopotamia*, Toronto: University of Toronto Press.
- Fuchs, A. (1994). *Die Inschriften Sargons II. Aus Khorsabad*, Göttingen: Cuvillier verlag.
- Fuchs, A. (1998). *Die Annalen des Jahres 711 v. Chr. nach Prismenfragmenten aus Ninive und Assur*, Helsinki: Casco Bay Assyriological Institute.
- Fuch, A., (2000). "Māt Ḥabḥi", in: J. Marzahn and I. H. Neumann (Eds.), pp. 73-94. *Assyriologica et Semitica, Festschrift für Joachim, Oelsner*, Münster. (AOAT 252).
- Fuch, A. (2007). Fuchs, "Mesopotamien und angrenzende Gebiete 745-711 v. Chr", in: A.-M. Wittke I. E. Olshausen and R. Szydlak (Eds.). pp. 50-51. *Historischer Atlas der antiken Welt, Stuttgart*, (DNP Supplemente Band 3).
- Fuchs, A., (2017). "Die Kassiten, das mittelbabylonische Reich und der Zagros", in: A. Bartelmus & K. Sternitzke (Eds.), pp. 123-165. *Karduniaš. Babylonia under the Kassites*. Boston-Berlin.
- Fuchs, A., and S. Parpola, (2001). *The Correspondence of Sargon II (Part III), Letters from Babylonia and Eastern provinces*, State Assyrian Archives, Vol. XV, edited by J. Reade, Helsinki: Helsinki University Press.

- Galter, H. D., (2014). "Sargon II. und die Eroberung der Welt", in: H. Neumann; R. Dittmann and S. Paulus (Eds.), pp. 329-344. *Krieg und Frieden im Alten Vorderasien* (CRRAI 52), Münster (AOAT401).
- Grayson, A. K., (1987). *RIMA 1, Assyrian Rulers of the Third and Second Millenia BC (To 1115 BC)*, Toronto: University of Toronto Press
- Grayson, A. K., (1991). *RIMA 2, Royal Inscriptions of Mesopotamia, Assyrian Periods, Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC I (1184-859 BC)*, Toronto: University of Toronto Press.
- Grayson, A. K., (1996). *RIMA 3, Royal Inscriptions of Mesopotamia, Assyrian Periods, Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC)*, Toronto: University of Toronto Press.
- Grayson A. K. and J. Novotny, (2012). *The Royal Inscriptions of Sennacherib, King of Assyria (704-681 BC)*, Part 1, Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period, Vol. 3. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Grayson, K. A.; Novotny, J. & J. Jeffers, (2014). *Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Sennacherib, King of Assyria (704-681 BC)*. Vol. 3/2. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Hannoon, N., (1986). *Studies in the Historie Geography of Northern Iraq Dming the Middle and Neo-Assyrian Periods*, PhD dissertation, University of Toronto.
- Hennerbichler, F., 2012, "The Origin of Kurds", *Advances in Anthropology*, 2 (2): 64-79.
- Herzfeld, E. M., (1968). *The Persian Empire: Studies in geography and ethnography of the ancient Near East*. Wiesbaden: Steiner Verlag.
- Hozhabri, A. (2014). "The location of Ecbatana; Where is Median Ecbatana?" in *Colloquia Baltica Iranica, Rzucewo, 16 - 17 October 2014*, Warsaw: Uniwersytetu Gdanskiego & Iran Heritage.
- Horowitz, W., (1998). *Mesopotamian Cosmic Geography*, Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns.
- Kinner-Wilson, J. V., (1962). "The Kurba'il Statue of Shalmaneser III", *Iraq* (24): 90-115.
- Kwasman, T. and S. Parpola, (1991). *Legal Transactions of the Royal court of Nineveh, Part I, From Tiglat-Pileser III through Esarhaddon*, By J. Reade (Ed.), Helsinki: Helsinki University Press.
- Lanfranchi, G. B., (1990). *I Cimmeri. Emergenza dell'elites military iraniche nel Vicino Oriente* (VIII-VII sec. a. C.), Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Lanfranchi, G. B. (1995). "Assyrian geography and Assyrian letters: the location of Ḫubuškia again", in: M. Liverani (ed.). *Neo-Assyrian geography*, pp. 127-137. Rome: Università di Roma.
- Lanfranchi, G. B., (2003). "The Assyrian expansion in the Zagros and the local ruling elites", in: G. B. Lanfranchi; I. M. Roaf & I. R. Rollinger (eds.), pp.79-118. *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia*, Padova: Sargon Editrice e Libreria.

- Levine, L. D. (1972). *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*, Toronto: Royal Ontario Museum.
- Levine, L. D., (1973). "Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros I", *Iran* (11): 1-27.
- Levine, L. D., (1974). "Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros-II". *Iran* (12): 99-124.
- Levine, L. D. (1977). "East-west trade in the late iron age: A view from the Zagros", in: *Mountains and Lowlands: Essay in Archaeology of Greater Mesopotamia*, pp. 135-151. Malibu: Undena Publications.
- Liebig, M. (1991). "Zur Lage einer im Bericht über den 8. Feldzug Sargon II, von Assyrien genannter Gebiete", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie*, Vol. 81: pp. 31-36.
- Liverani, M., (1992). *Studies on the Annals of Ashurnasirpal II. 2: Topographical Analysis*, Rome.
- Maniori, F., (2014). *Le campagne babilonesi ed orientali di Sargon II d'Assyria*, Rome.
- Medvedskaya, I. N. (1999). "Media and its Neighbours I: The Localization of Ellipi", *Iranica antiqua* (34): 53-70.
- Medveskaya, I. N., (2000). "Zamua, Inner Zamua and Mazamua", in: R. Dittmann, B. Hrouda, U. Löw, P. Matthiae, R. Mayer-Opificius and S. Thürwächter (Eds.), pp. 429-445. *Variatio delectat: Iran und der Westen. Gedenkschrift für Peter Calmeyer*, Münster, (AOAT 272).
- Medvedskaya, I. N. (2002). "Were the Assyrians at Ecbatana?", *The International Journal of Kurdish Studies* 16 (1-2): 45-57.
- Millard, A.R. (1994). *The Eponyms of the Assyrian Empire 910-612 B.C.*, Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Minorsky, V. (1957). "Mongol place-names in Mukri Kurdistan". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*. University of London, (19): 77-81.
- Muscarella, O. W., (1986). "The location of Ulhu and Uise in Sargon II's eighth campaign, 714 B.C.:", *Journal of Field Archaeology* (13): 465-475.
- Parpola, S. (1970). *Neo-Assyrian Toponyms*, Kevelaer: Butzon & Bercker GmbH.
- Parpola, S. & Porter, M. (2001). *The Helsinki atlas of the Near East in the Neo-Assyrian period*. London: Casco Bay Assyriological Institute.
- Postgate, J. N., (1984). "The Historical Geography of the Hamrin Basin", *Sumer* (40): 149-159.
- Radner, K., (2003). "2003 A Median Sanctuary at Bit-Ištar", In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (ed.), pp. 119-130. *Continuity of Empire: Assyria, Media, Persia. History of the Ancient Near East Monographs 5*, Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Radner, K., (2013). "Assyria and the Medes", in: D. T. Potts (ed.), pp. 442-456. *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford.

- Radner K., (2016). "The Peshdar Plain in the Neo-Assyrian period: The border march of the Palace Herald", in: K. Radner, J. Kreppner and A. Squiteri (eds.), pp. 17-22. *Exploring the Neo Assyrian Frontier with Western Iran. The 2015 Season at Gird-i Bazar and Qalat-i Dinka*, Gladbeck.
- Radner, K., (2017). "A Neo-Assyrian legal document from Tell Sitak", in: Y. Heffron, A. Stone and M. Worthington (eds.), pp. 423-430. *At the Dawn of History: Ancient Near Eastern Studies in Honour of J. N. Postgate*, Winona Lake.
- Reade, J. E., (1976). "Reade, Sargon's campaigns of 720, 716 and 715 B.C.: Evidence from the sculptures", *Journal of Near Eastern Studies* (35): 95-104.
- Reade, J. E., (1978). "Kassite and Iranians in Iran" *Iran* (16): 137-143.
- Reade, J. E., (1979). "Hasanlu, Gilzanu and related considerations", *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin* (12): 175-181.
- Reade, J. E., (1995). "Iran in the Neo Assyrian period", in: M. Liverani (ed.), pp. 31-42. *Neo-Assyrian Geography, Rom, (Quaderni di Geografia Stmica 5)*.
- RIA (Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie 3; 4; 8; 9; 10; 11; 14 & 15). Leipzig & Berlin.
- Russell, H. F., (1984). "Shalmaneser's Campaign to Urartu in 856 B.C. and the historical geography of eastern Anatolia according to the Assyrian sources", *Anatolian Studies* (34): 171-201.
- Schachner, A., (2007). *Bilder eines Weltreichs*, Turnhout.
- Streck, K. M., (1898). "Das Gebiet der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistan und Westpersien nach den babylonisch-assyrischen Keilschriften", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* (13): 57-110.
- Streck, K. M., (1899). "Das Gebiet der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistan und Westpersien nach den babylonisch-assyrischen Keilschriften", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* (14): 103-172.
- Streck, K. M., (1900). "Das Gebiet der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistan und Westpersien nach den babylonisch-assyrischen Keilschriften", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* (15): 257-382.
- Tadmor, H. & S. Yamada, (2011). *The Royal Incriptions of Tiglat-Pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726- 722 BC)*, Vol. 1, Winona Lake: Eisenbrauns.
- TAVO, Tübinger Atlas des Vorderen Orients.
- Tourovets, A., (2015). "The Assyrian itineraries in the Zagros during the reign of Sargon II (6th and 8th campaigns) and the question about the correlation between toponymy and geography", *Iranian Journal of Archaeological Studies* (5): 21-32.

- Vera Chamaza, G. W. (1994). "Der VIII, Feklzug Sargon II, Eine Untersuchung zu politik und historischer Geographie des späten 8. Jhs, v. Chr. 1", *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin FT* (27): 91-118.
- Zadok, R. (2002). *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*. Tel Aviv: Archaeological Center Publications.
- Zawadzki S., (2011–2012). "Umman-manda Revisited", *State Archives of Assyria Bulletin*, (XIX): 267- 278.
- Zimansky, P. (1990). "Urartian Geography and Sargon's Eighth Campaign". *Journal of Near Eastern Studies* 49 (1): 1-21.

